

ایران‌شناسی در غرب

صالح مولوی نژاد

Francis Richard

Les Cinq Poemes de Nezami

Bibliothèque de l'Image

فرانسیس ریشار

«خمسۀ نظامی»

کتابخانه ایماژ، قطع: ۲۴x۳۲ سانتیمتر،

صفحات: ۹۶ (متن) + تابلوهای مینیاتور

نشر اول ۱۹۹۵، نشر دوم ۲۰۰۱ م.

«خمسۀ نظامی گنجوی* - شاهکاری از کتب خطی ایرانی در قرن ۱۷»

آخرین کتابی که آقای ریشار، تحت عنوان «خمسۀ نظامی»^{*} منتشر کرده است، احتمالاً از لحاظ متن، کمتر به کار مصححان متون کهن فارسی می آید زیرا این متن نزدیک به پنج قرن بعد از تألیف آن نوشته شده و در این پنج قرن، بی تردید، دستخوش تغییر و تصحیف بسیار گردیده، اما به لحاظ ارزش هنری، خط زیبای عبدالجبار و تابلوهای نفیس مینیاتور، اثری ست پر قدر و ماندنی.

این کتاب در سه بخش سامان یافته است: بعد از درج نقشۀ ایران که در سال ۱۷۰۱ توسط دولیل (G. Delisle) تهیه شده و نیز پیشگفتاری به قلم ژان فاویه، زندگی شاه عباس

* این کتاب با نشانه Supplement persan 1029 در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می شود. در این

نوشته از آن، با عنوان «نسخۀ مورد بحث» یاد می شود.

* در زبان فارسی کتابهای بسیار درباره زندگی و آثار نظامی نوشته شده است. از جمله رک. سعید

نفیسی: دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، شامل شرح احوال مفصل نظامی و آثار او، تهران، ۱۳۳۸: ←

بزرگ (۱۵۸۸ - ۱۶۲۹م) و اوضاع دربار او، به شرح، نوشته شده (ص ۸ تا ۱۲)، سپس پنج مثنوی نظامی - هریک با مقدمه ای در معرفی و چگونگی تألیف آن - و تعدادی از تابلوهای مینیاتور مربوط به آن، و ترجمه چند بیت از اشعار هر تابلو درج شده (ص ۱۵ تا ۹۲)، و در بخش سوم (۹۲ تا ۹۶) سرگذشت نسخه مورد بحث و چگونگی رسیدن آن به موزه ملی فرانسه آمده است.

بخش اول و سوم که نتیجه تحقیق فرانسیس ریشار است، بسیار دقیق و دلپسند نوشته شده و شامل نکته هایی دیرباب از تاریخ هنر ایران محسوب تواند بود. در پیشگفتار کتاب، ژان فاویه (Jean Favier)، رئیس کتابخانه ملی فرانسه نوشته است که: «خمسه نظامی از جمله آثار مهم ادبی ایران در قرون وسطی است که هیچ ترجمه و تفسیری غنای هنری آن را به کمال بیان نمی کند». وی، همچنین یاد آور می شود که در قرن هفدهم سیاحان فرانسوی، از جمله تاورنیه (Tavernier) و همراهانش، جلال و عظمت اصفهان و ایران را کشف کردند. از آن تاریخ تا کنون، به تدریج، مجموعه آثار خطی فارسی در کتابخانه ملی فرانسه فراهم آمده که اکنون به دو هزار و سیصد مجلد می رسد. از این مجموعه، دوست مجلد آثار مصور و تذهیب شده است. بنا بر نوشته آقای فاویه، همه این کتب، یا توسط کتابخانه ملی فرانسه خریداری شده، و یا به آن اهداء شده است.

*

شاه عباس بزرگ

شرح حالی که ریشار برای شاه عباس نوشته است، نسبتاً مفصل است که به نکات اساسی آن اشاره می شود:

شاه عباس در سال ۱۵۷۱ م. در هرات متولد شد، در ۱۵۸۸ به سلطنت رسید و در سال ۱۶۲۹ در مازندران - مقرر زمستانی خود - درگذشت.

→ علی اکبر شهابی: نظامی، شاعر داستان سرا، تهران، ۱۳۴۸؛ منصور ثروت: یادگار گنبد دوار، تهران، ۱۳۷۰؛ عبدالحسین زرین کوب: پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، درباره زندگی، آثار و اندیشه نظامی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۲. و نیز مقاله هایی از جمله در «ویژه نامه سال نظامی گنجوی» (ایران شناسی، شماره های ۳ و ۴، سال ۱۳۷۰) به چاپ رسیده است از: جلال متینی، احمد مهدوی دامغانی، ذبیح الله صفا، عبدالحسین زرین کوب، جلال خالقی مطلق، نادر نادرپور، حشمت مؤید، محمد رضا قانون پرور، حورا یآوری، سعیدی سیرجانی، محمدجعفر محجوب، امین بنانی، پیتز چلکوسکی، حمید دباشی، محمود امیدسالار، مهدی نوریان، و پال اسپراک من.

دوره سلطنت او به تاخت و تاز در سراسر ایران گذشت. در شمال غربی ایران، بر عثمانیان غلبه کرد و آذربایجان را از چنگ آنان رها ساخت (۱۶۰۴). در سال ۱۶۲۳ بغداد را تصرف کرد، فرمانداری ایرانی بر آن گماشت که این پیروزی دوام نیافت و پانزده سال بعد این شهر مجدداً به دست عثمانیان افتاد.

در شمال شرقی ایران، شاه عباس مشهد و هرات را که مکرراً مورد تهدید ازبکان واقع می شد آرام ساخت.

علاوه بر این فتوحات که یکپارچگی ایران را تأمین کرد، شاه عباس در پایان عمر خود سرزمینهایی از همسایگان ستیزه جوی ایران را نیز به زیر سیطره خود درآورده بود: در جنوب شرقی، قلعه قندهار - دروازه لاهور و شمال هند - را گرفته بود (۱۶۲۱) که راه توسعه جویی امپراطور نیرومند مغول (: دولت گورکانی) را سد می کرد. در جنوب ایران، با واگذاری باریکه ای راه دریایی به انگلیسی ها، بندر عباس را از پرتغالی ها باز پس گرفته بود که از آن پس، ایران قدرت دریایی مستقلی محسوب می شد.

به عقیده وی، این فتوحات نتیجه تجدید اساسی سازمان ارتش، مخصوصاً نوسازی توپخانه بود. به علاوه، سایر اصلاحات او نیز در بین مردم شهرتی ماندنی یافته بود - راهها را توسعه داده بود، امنیت کاروانها را تأمین کرده بود، کاروانسراهای بسیار ساخته بود، مالیاتها را معتدل ساخته بود، مسافرت خارجیان را به ایران تسهیل کرده بود، آزادی دینی ارامنه ای را که از آذربایجان به اصفهان کوچانیده بود رعایت کرده، به آنها وام اعطاء کرده بود تا صنعت ابریشم را توسعه دهند که این محصول به سراسر جهان صادر می شد. شاه عباس اصفهان را چنان آباد کرده بود که رقیب لندن - بزرگترین شهر آن زمان - محسوب بود.*

فرانسیس ریشار در موضوع تربیت شاهزادگان در دربارهای ایران، حکمی کلی کرده است که من در کلیت آن تامل می کنم و میزان دقت آن را به آگاهان تاریخ ایران وا می نهم. وی می نویسد که در دربار ایران رسم چنین بود که شاهان خواندن و نوشتن می آموختند و به جمع آوری کتاب می پرداختند. شاه کتابداری داشت که اداره کتابخانه سلطنتی بر عهده او بود. در این کتابخانه نسخه های قدیمی کتابهایی که غالباً خوشنویسی، مصور و تذهیب شده بود جای داشت. این کتابها یا در دربار شاه تهیه شده، یا از شاهان

* برای قضاوت درباره مطالب بند اخیر، بهترین منبع مجلدات چندگانه مرحوم استاد نصرالله فلسفی درباره شاه

مغلوب به غنیمت گرفته شده و یا به قیمت‌های گزاف خریداری شده بود. مجموعه کتابها شامل نسخه های دستنوشته قرآن، تاریخ پادشاهان - مخصوصاً شاهنامه فردوسی - تاریخ [عمومی]، رسائل علمی و عرفانی و اخلاقی بود. گاه از کتابی چند نسخه مصور و تذهیب شده در دوره های مختلف، موجود بود.

وظیفه کتابدار، سرپرستی کتابخانه، استخدام کاتبان، صحافان، نقاشان و تذهیب گران بود تا زیر نظر او آثار جدیدی که شاه بر آنها نظر و علاقه داشت پدید آورند، به گونه ای که بر آثار مشابه قدیمی پهلوزند یا از آنها برتر باشد. کتابخانه های سلطنتی همیشه مهمترین جایگاه کتب نفیس بود و شاهان حامی آن بودند. فی المثل در قرن پانزدهم تیموریان در هرات کتابخانه مهمی داشتند و شهرت آن تا سال ۱۵۰۶ که این شهر به چنگ ازبکان افتاد دوام داشت. بزرگان ایران نیز پیوسته در طلب کتابهای خطی بودند و به تبادل این کتابها و یا اهداء آن به دیگران و شاهان می پرداختند.

هند نیز در دوران حکومت مغول - مخصوصاً در اواخر قرن ۱۶ و اوائل قرن ۱۷ از سنت تیموریان متأثر بود. کافی ست از کتابخانه اکبرشاه در فتح پور سیکری (Fathpur Sikri) [قریه سکندره]، یا کتابخانه جهانگیرشاه در الله آباد یاد نمود.

شاه عباس که در هرات متولد شده و در آن جا رشد یافته بود، چندان اشتیاقی به جمع آوری کتاب نداشت، بلکه بیشتر دوستدار خط و نقاشی بود. از همین روی، آثاری ماندنی از این دورشته هنری از دوره سلطنت او به جای مانده است. در دوره پادشاهی او، نقاشی مناظر طبیعی توسعه یافت و در دربار مغول نیز در این رشته با هنرمندان ایرانی رقابت می شد.

آقای ریشار کتابخانه دربار صفوی را با کتابخانه های اروپایی در همان عصر، مقایسه کرده، و نمی داند بر چه پایه ای نوشته است که کتابخانه شاه عباس در حقیقت «انباری» از کتاب بوده است، و اضافه می کند که این کتابخانه گنجینه ای بود از کتب دیرباب و زیبا که بی نظم و ترتیب منطقی کنار هم چیده بودند. مسافرانی که در نیمه دوم قرن ۱۷ به ایران سفر کرده اند، مثل ژان شاردن (حدود سال ۱۶۷۰)، پطرس بدیک (Petrus Bedik) یا رافائل دومانی کشیش (Le Pere Rafael Du Mans) نوشته اند که گرچه کتابدار دربار صفوی مردی بود آگاه به کار خود، اما کتابخانه در حال رکود و سقوط بود (اما، رکود کتابخانه چیزی ست، و بی نظمی چیزی دیگر).

رضا عباسی

اطلاعاتی که مؤلف کتاب در مورد رضا عباسی فراهم آورده است، گرچه مختصر، اما آگاه کننده و جالب است: این صورتگر نامدار و نوآور، در تمام دوره سلطنت شاه عباس در

هنر نقاشی نفوذی ماندگار داشت. در سال ۱۵۶۵ در مشهد تولد یافته بود، پدرش، علی اصغر، نیز نقاش بود. محتملاً از سال ۱۵۸۷ در دربار صفوی به کار پرداخته بود. در این دوره رضا عباسی از شیخ محمد نقاش که در کارگاه نقاشی صفویان در قزوین کار می کرد تأثیر گرفت، و نیز، در زمینه رنگ از میراث نقاش قدیمی عصر صفوی، میرزا علی، بهره گرفت. در عین حال، به علت فقدان مدارک معتبر، سیر تکاملی هنر رضا عباسی چندان روشن نیست. به نظر می رسد که او به مناسبت آغاز سلطنت شاه عباس، در مصور ساختن نسخه ای از شاهنامه فردوسی اقدام کرده باشد اما این کار ناتمام مانده. این شاهنامه در مجموعه چستر بیٹی (Chester Beatty) در دUBLIN نگهداری می شود.

فرانسیس ریشار انتقال پایتخت ایران از قزوین به اصفهان (۱۵۹۸) را مبدأ تحولی مهم در سبک نقاشی ایران می داند زیرا که از این تاریخ به بعد، در اصفهان صورت درباریان، درویشان، صنعتگران، زنان و نوجوانان موضوع کار نقاشان شد و سبک مکتب قزوین متروک گردید.

گویا رضا عباسی در سال ۱۶۰۵ دربار شاه عباس را ترک کرده و پس از ده سال به دربار بازگشته است. وی در آن ده سال، بعضی از بهترین آثار خود را خلق کرد. تک چهره هایی که او به تصویر کشیده، مخصوصاً از صورت زنان، در مجموعه های متعلق به هنردوستان موجود است.

رضا عباسی عمری درازتر از شاه عباس داشت و تا پایان عمر (۱۶۳۵) آثار ماندنی به وجود آورد - از جمله در مصور ساختن نسخه ای از خمسة نظامی که در سال ۱۶۳۲ به اتمام رسید مشارکت داشت. این نسخه که مشخصه ممتاز آن تصاویری به مقیاس بزرگ است، در موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن نگهداری می شود. کار دیگر رضا عباسی نقاشیهایی است که برای مجموعه اشعار نوائی کشیده و در مجموعه راشیلد (Ruthschild) محفوظ است. تک چهره ها و طرحهای دیگری نیز از او باقی مانده که همه امضای او را دارد و بعضی از آنها مورخ نیز هست.

کتابداران دوره شاه عباس

آقای ریشار به منظور معرفی بیشتر و آشنایی بهتر با نسخه خطی خمسة نظامی کتابخانه ملی فرانسه، به جست و جوی هویت کتابداران کتابخانه سلطنتی شاه عباس برآمده و اطلاعات ذی قیمتی فراهم آورده است:

تا حدود سال ۱۵۹۷، صادق بیک نقاش (۴-۱۵۳۳ تا ۱۶۱۲) کتابخانه سلطنتی را اداره می کرد، بعد، علیرضا عباسی تبریزی که از سال ۱۵۹۳ به خدمت شاه عباس درآمده بود،

جانشین او شد. این کتابدار بعد از فوت شاه عباس هنوز زنده بود. وی نقاش و خطاط بود، و بیشتر از میرعماد مورد علاقه شاه عباس بود (نمی دانیم که آیا او در توطئه قتل میرعماد دست داشته یا نه). علیرضا شاگرد میر علی هروی بود و امضای او را در آثاری که تا سال ۱۶۱۷ پدید آورده می بینیم.

کتابخانه هرات

در عصر صفویان، هرات مقر ولیعهد بود و دربار آن با دربار پایتخت پهلو می زد. کارگاه نقاشی هرات تا اوائل قرن ۱۷ رونق داشت. خاندان «شاملو» از جمله حسین خان که از ۱۵۹۸ تا ۱۶۱۸ حکومت خراسان را داشت و نیز حسن خان، جانشین او، حامیان نقاشان، خوشنویسان و شاعران بودند. به سفارش این حاکمان نسخه های خطی متعددی ساخته شد. از جمله شاهنامه ای (۱۵۹۹) که در کتابخانه قصر گلستان محفوظ است، و نسخه دیگری از این کتاب (۱۶۳۹) محفوظ در مجموعه دوگلاس (R. Douglas) در نیویورک است. از آثار باقی مانده از کتابخانه هرات باید از دستنوشته دیگری یاد کرد که از جمله شامل خمسة نظامی به خط شاه قاسم کاتب است. این مجموعه مصور متعلق به فتحعلیشاه قاجار بوده و به دستور او صحافی شده بود و اکنون در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می شود. احتمالاً شاه قاسم کاتب آن را در هرات برای حسن خان شاملو کتابت کرده است. مقایسه این مجموعه با نسخه خمسة نظامی مورد بحث، تفاوت دو مکتب نقاشی هرات و اصفهان را به خوبی نشان می دهد.

مشخصه های خمسة نظامی که مورد بحث ماست، حکایت از آن دارد که این اثر احتمالاً آخرین اثری است که در نتیجه تلفیق سبک قدیم تر نقاشی ایرانی با گرایشها و نوآوریهای رضا عباسی فراهم آمده، و در هر حال، کیفیت استثنایی آن الزام می کند که آن را یکی از شاهکارهای هنر کتاب سازی ایرانی در دوره صفوی محسوب داریم.

جایگاه خمسة نظامی در ایران

به قضاوت آقای ریشار، خمسة نظامی از جمله مشهورترین آثار ادبی ایران است که به دفعات بیشمار از آن نسخه برداری شده و سرمشقی برای شاعران بعد از نظامی قرار گرفته است. خمسة نظامی مجموعه ای است که برجسته ترین معتقدات فلسفی و اخلاقی و داستانهای رایج در بین طبقه فرهیخته ایران در زمان تألیف آن را در بر دارد. این کتاب، و نیز شاهنامه فردوسی، بیش از هر اثر ادبی ایرانی خطاطی، مصور و تذهیب شده است.

ریشار به بررسیهای خانم لاریسا دودودثوا (Larissa Dodhudoeva) استناد می کند که به ۲۴۵ نسخه خطی تذهیب شده از خمسة نظامی دست یافته که بعضی از آنها تا پنجاه

صحنه مصور دارد و قدیمیترین آنها مورخ سال ۱۳۱۸، یعنی یک قرن بعد از درگذشت نظامی گنجوی است.

سرگذشت نظامی و همسر او

مؤلف در کتاب خود، سرگذشت نظامی را از منابع مختلف - بیشتر منابع غربی - نقل کرده و موضوع هر یک از مثنویهای پنجگانه را بیان نموده است که برای خوانندگان فرانسوی زبان کتاب او لازم بوده است. برای خواننده فارسی زبان، شاید نقل همه این مطالب ضرور نباشد اما اشاره اجمالی به آنها مفید است:

نظامی در سال ۱۱۴۰ یا ۱۱۴۱ در گنجه (حال در جمهوری آذربایجان) متولد شد. در خردسالی پدر و مادر را از دست داد؛ عموی یا دایی او پرورش او را بر عهده گرفت؛ برادر یا پسر عمویی داشته است - محمد قوامی مطرزی - که کتابی منظوم در معانی و بیان از او باقی مانده است (دهخدا در لغت نامه خود از دو قوامی یاد می کند: قوامی گنجه ای که او را محتملاً عموی نظامی دانسته اند، و قوامی مطرزی که او را برادر یا عموی عموزاده نظامی نوشته اند. م. م.).

نظامی زبان عربی را خوب می دانسته، سفری به بغداد کرده و با ادبیات عربی که در اشعارش انعکاس دارد آشنا شده. او سه بار ازدواج کرده و پسری محمد نام داشت که عزیز پدر بود. به غیر از پنج گنج (خمسه)، دیوان اشعاری از نظامی باقی مانده است. اما غزلیات او شهرت مثنویهای او را ندارد. وی مسلمانی معتقد بود، به تصوف علاقه داشت و محتملاً از مکتب اشراق متأثر بوده است.

روشی که مؤلف در معرفی نسخه خمسه نظامی اتخاذ کرده است چنین است که در آغاز؛ صفحه اول نسخه مورد بحث را که شامل عنوان کتاب و ابیاتی چند از آغاز کتاب است، و به زیبایی تذهیب شده، درج نموده، سپس شرحی نسبتاً مفصل از ساختار و تعداد ابیات، تاریخ آغاز و ختم کتاب، خلاصه فصلهای درونی هر کتاب - و ترجمه های انجام شده به زبانهای خارجی آنها - را به دست می دهد. روش کاروی منطقی و متین است. اضافه کنم که بعد از معرفی هر کتاب، به روشی که گفته آمد، تعدادی از تابلوهای مینیاتور - گاه بیش از ده تابلو - با ترجمه چند بیت از اشعار متن تابلو به زبان فرانسه مندرج است که بیننده و خواننده فرانسوی زبان را با موضوع هر تابلو آشنا می سازد.

خلاصه خمسه نظامی به روایت فرانسیس ریشار

۱- مخزن الاسرار: شامل ۲۲۶۲ بیت، و به بهرام شاه تقدیم شده است. بهرام شاه در دوره حکومت خود در آسیای صغیر (۱۱۶۰ - ۱۲۱۸) از شاعرانی مثل نظامی و خاقانی، و

<p>ز کس او سپرد ما زاع داشت صفت ملائک عظمی میشد برق شکره بود مای ابق دست بستاده تا ساق</p>	<p>ز ان کل و کان بر کس کان ستر کو اک قدش میدر درشت تار یک بدان اتفاق چون کل ازین بر ضروره فر</p>	<p>کل شده سر دانت سواری عسقم خواسته از انیا لعل به کند و هم برش فاخته فرگشته ز فرمای عزتش کسان زده دردا</p>	<p>ش شد روزانی هاری عبدالرب خوانده سع ناف شب آگنده شکش کک مشس آن از کورهای ساره صده شده سرش</p>
<p>بال کشید و راه سودج او یک تنه کد اشند اوم از امر شش و بار تا</p>	<p>هم شعر اش سر آمدند پرده شنیا ک روشن اشند سر که حسد بر در آن از تا</p>	<p>حلقه زمان بر در آن بار کا ایق مشس زان قدم آگینو</p>	<p>او میجر چو عنبر سان راه رفت بدان راه که بهره نمود</p>

دانشمندانی از قبیل عبداللطیف بغدادی حمایت می کرد. نظامی در این مثنوی، که در سال ۱۱۷۶ به پایان رسیده، بسیار تحت تأثیر حدیقه سنائی (سروده شده در ۱۱۳۰) بوده است. نظامی گنجوی در این مثنوی اثری به وجود آورده است که شامل اندیشه های فلسفی، عرفانی، اخلاقی و تمثیلی عصر اوست. بیشتر منابع او ازین رفته است، محتملاً او از منابع مسیحی که از سریانی به عربی ترجمه شده بوده، استفاده کرده است.

حاکم دربند [در قفقاز] کنیزی «آفاق» نام از مردم قپچاق، به نظامی به خاطر تألیف مخزن الاسرار اهدا نمود که از او فرزندی محمد نام، زاده شد. بعد از پنج سال زندگی شادمانه، مرگ آفاق، نظامی را در اندوهی دیرپای فرو برد که در اشعارش انعکاس یافته است.

آقای ریشار بخشهای مختلف کتاب را به شرح معرفی می کند و سپس به چند ترجمه از آن اشاره می کند: یکی ترجمه ای به انگلیسی توسط غلام حسین داراب (لندن ۱۹۴۵)، دیگری ترجمه ای به فرانسه توسط جمشید مرتضوی (پاریس ۱۹۸۷).

برای این که خوانندگان فرانسوی زبان از دیدن تابلوهای مینیاتور کتاب، حظ بصر را با لطیفه بصیرت همراه سازند، آقای ریشار ترجمه آزاد چند بیت از اشعار را به فرانسوی نوشته اند - به همان شیوه های که فیتز جرالدر باعیات خیام را ترجمه کرده است. ترجمه ها غالباً سلیس و گویاست. این روش را وی برای هر پنج مثنوی نظامی از دست ننهاد، و من از تکرار مطلب برای چهار مثنوی دیگر خودداری می کنم که سخن تکرار نشود.

نکته ای که گفتنش ضرور می نماید این است که متن اشعار در نسخه مورد نظر، متنی منقح نیست و مثل غالب نسخه های خطی قدیمی از لغزشها و اشتباهات (و احیاناً الحاقات) کاتبان در امان نمانده است.

۲- خسرو و شیرین: در ۶۵۰۰ بیت به سال ۱۱۸۰ پایان یافته و به شاهزادگان آذربایجان تقدیم شده است. محمد بن ایلدگز در آمد دهی - حمدونیه نام - را به شاعر صله کرد. به گفته آقای ریشار، این داستان رمانتیک از افسانه های مربوط به ویرانه های قصر شیرین و حجاریهای بیستون نشأت گرفته و قبل از نظامی شاعران عرب، و نیز فردوسی در شاهنامه - به اختصار به آن پرداخته اند. نظامی مدعی نیست که سرگذشت عاشقانه ای که از خسرو پرویز به نظم کشیده، بازگویی تاریخ باشد.

مؤلف با مقایسه شخصیت خسرو پرویز، آن چنان که در تاریخ منعکس است با تصویری که نظامی از این پادشاه به دست داده است به این نتیجه رسیده که از لحاظ تاریخی، خسرو پرویز (آغاز سلطنت ۵۹۰) پادشاهی بود که دربارش مجمع شعرا و

تن بهار زرد یک علامان
 چطو و ساق عقیلی با رسته
 کران بجان من بوج دج بودی
 سا مشقوه کایدیست بر در
 چو لختی اندازان این حطه
 هر دومی بد حرمی میسب

سوی آن مرعز از آمدن
 تیز روی رلب کور شسته
 دوران بسان من بوج دج بودی
 سل در دیده با شد خوانی
 که پیش آشفته شد ما شسته
 که باشد جای گمشد شرا

طوفانی ز دران سروره کوشن
 کجا را ز رغل آتشیست
 نمود آنکه که آن شربک آن ه
 نسا دولت که آمد کرد گنگا
 زمر سو کرد در عادت سجا

میان کوشن آبی می درون
 دران آتشیست میسب
 سرح او فرود آید با کما
 حرم و آگه نسا شد کم گنگا
 نظر ناکه بر اقاوشن کما می



حاصل بود چون کتاب بازگ

سمان و نوج و آزار ک

از ماه آینه را سبک داد
 دراب ننگون چن گل شسته

چو ماه بخت اندر آب آدود
 بریند ننگون تا ناف بسته

هنرمندان - از جمله باربد موسیقیدان - بود، دوره سلطنتش درخشان بود، و بسا مسیحیان مدارا می کرد (شیرین خود مسیحی بود). خسرو پرویز آخرین پادشاه مقتدر سلسله ساسانی محسوب بود؛ اورشلیم را متصرف شد و در سال ۶۱۹ اسکندریه را محاصره کرد. وی در فوریه ۶۲۸ به توطئه پسرش قباد دوم به قتل رسید. اما نظامی خسرو پرویز را پادشاهی سبکسر، شادخوار، دوستدار می و معشوق تصویر کرده است و از همین روی خواننده را به دنبال داستان می کشاند.

بعد از نظامی، داستان خسرو و شیرین چنان شهرت یافت که چند تن از شاعران پارسی گوی از آن الهام گرفته، آن را تقلید کردند.

این منظومه را هانری ماسه (Henri Masse) به نثر مسجع ترجمه و در سال ۱۹۷۰ منتشر نمود. و نیز، بخش فرهاد و شیرین این داستان توسط هربرت دودا (Herbert Duda) به زبان آلمانی در پراگ منتشر شده است (۱۹۳۳).

میناتورهایی که مؤلف برای این بخش از کتاب خود انتخاب کرده با تابلویی که شیرین در جویباری آب تنی می کند و خسرو از پس پشته ای بر او می نگرد آغاز شده و در پی آن یازده تابلو دیگر که هر یک زیباتر از دیگری ست آمده است.

۳- لیلی و مجنون: تقریباً شامل پنج هزار بیت است که آن را در مدت چهار ماه در سال ۱۱۸۸ به درخواست شروانشاه - شاه شیروان - جلال الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر سروده است. آقای ریشار، قبل از این که خلاصه داستان را نقل کند، یاد آور می شود که این داستان منشأ عربی داشته و در عصر نظامی مشهور بوده است، و بعد از نظامی شاعران دیگر - از جمله عبدالرحمن جامی - آن را به نظم کشیده اند. جامی در منظومه خود به جنبه های عرفانی عشق تأکید کرده است.

۴- هفت پیکر: آقای ریشار می نویسد که به اعتقاد اکثر منتقدین، این منظومه موفق ترین منظومه در بین پنج گنج نظامی ست که در سال ۱۱۹۷ به پایان رسیده و به علاء الدین کرپ ارسلان، حاکم مراغه اهداء شده و شامل ۴۵۷۷ بیت است.

علاء الدین سرودن منظومه ای را از نظامی طلب کرد، بی آن که موضوعی برای آن تعیین کند. نظامی روایاتی را که از زندگی بهرام پنجم - بهرام گور - (دوره سلطنت ۴۲۰-۴۳۸ م.) در بین مردم ساری و جاری بود، اساس کتاب هفت پیکر قرار داد و بر زندگی آزاد این پادشاه، عشق او به موسیقی و شکار، شجاعت، هوشمندی و طبع شعر او تأکید کرد.

تصویری که نظامی از بهرام گور به دست می دهد با آنچه که در شاهنامه فردوسی آمده متفاوت است. بهرام گور در شاهنامه چنان توصیف شده که می توان او را نمونه کامل

چون اجد رفت راه بر راه
 از زخم خن خن پیسته
 بادام بود دوشش لیک لیک
 از خدمت او شده شتابان

گفت این گذشت از آن که رنگ
 وحشی شده و در کس نیست
 ز خوی دد و در خلقت دادم
 سر و حشش که بود در میان

تا بر سر مغز پوست باشم
 میحت علاجی از طبعی
 باخ سبتهای حصه
 در شیر و کوزن اجنه
 لشکر گاهی کشیده در راه

من که نقاب و سبب شدم
 میخواند چو عاشقان شیمی
 خور کرده چو حشیان بجز
 آورده بحسب من در باغ
 از شیر و کوزن در کت و درو



او بر همه شاه چون سلیمان
 که خوی ددان ددی بریده
 آسمون و همه شیر خورده

ایشان همه کشیده بنده و مان
 شامش غایبی سیده
 یک باخ کوشش صد کرد

در سایه گرگش پنجه اش
 برداشته شیر خور از کور

از پنجهای سایه باش
 افساده زیش گرگ را زد

«پادشاه» دانست. فردوسی در شاهنامه، درگذشت بهرام را در حال خواب روایت می کند اما نظامی می گوید که او به طرزی مرموز در ضمن شکار ناپدید شد. در بیان عاشق پیشگی بهرام، نظامی چنان ظرافتی نشان داده که ترجمه آن را به زبانی دیگر ناممکن می سازد. نه قطعه مینیاتور، به همراه تاریخ زندگی بهرام گور- چنان که آقای ریشار تحقیق کرده در پایان این بخش از کتاب آمده است.

ترجمه های هفت پیکر: به زبان ایتالیایی توسط پروفیسور الساندرو بوزانی (میلان، ۱۹۸۲)، خلاصه آن به زبان آلمانی توسط ر. گلپکه (R. Gelpke، زوریخ ۱۹۵۹) و به زبان انگلیسی توسط ویلسون (C. E. Wilson) در دو مجلد، چاپ لندن.

۵- اسکندرنامه: شامل دو بخش متمایز است: شرفنامه شامل ۶۸۰۰ بیت سروده شده در سالهای ۱۱۹۶ تا ۱۲۰۰، و اقبال نامه در ۳۴۸۰ بیت که بین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۲۰۳ یا ۱۲۰۹ به نظم درآمده است (اختلاف در تاریخ ختم این کتاب ناشی از اختلافی است که مورخین برای درگذشت نظامی ثبت کرده اند).

در اسکندرنامه، نظامی داستان کشورگشایی اسکندر مقدونی را حکایت می کند. در اقبال نامه چنان در توصیف او پیش می رود که او را به مقام پیامبری می رساند- چنان که قرآن کریم بر این موضوع اشارت دارد (قرآن ۲۸/۸۲) (اشارتی که مورد نظر آقای ریشار است، کلمه «ذوالقرنین» است که در آیه ۸۲ یا ۸۳ سوره کهف آمده است. در نزد عامه، این کلمه مترادف با نام اسکندر مقدونی است اما مفسرین قرآن کریم به مترادف بودن این دو اتفاق نظر ندارند- از جمله شیخ طبرسی، صاحب تفسیر معتبر مجمع البیان. م).

آقای ریشار، شاهنامه فردوسی را از منابع نظامی برای مثنوی اسکندرنامه دانسته و ترجمه های آن را بر شمرده است: به زبان انگلیسی توسط کلارک (H. W. Clarke) در دو مجلد (لندن، ۱۸۸۱) و ترجمه قسمتهایی از این کتاب به زبان آلمانی توسط گلوکشتات (J. Gluckstadt) منتشر شده در سال ۱۹۳۴.

*

سرگذشت نسخه مورد بحث

از بخشهای مهم و مفید کتاب آقای فرانسیس ریشار در معرفی نسخه خطی پنج گنج نظامی، توضیحاتی است که وی در مورد سرگذشت این کتاب و چگونگی رسیدن آن به کتابخانه ملی فرانسه داده است (از هزارها نسخه های خطی نفیس ایرانی، و سایر آثار تمدن کهن ایران که در کتابخانه ها و موزه های ممالک مغرب زمین جای دارد، توضیحات وی لااقل سرنوشت این نسخه نفیس و چگونگی رسیدن آن را به فرانسه روشن می کند. م).

وی می نویسد که معلوم نیست صاحب اول و اصلی این کتاب که بوده است زیرا که در صفحه اول کتاب نام مالک آن با مهارت تراشیده شده است. در برگه شماره ۳۸۶ کتاب، اثر مہری مستطیلی شکل مشاهده می شود که تاریخ ۱۱۴۱ هـ.ق. (= ۱۷۲۸م.) و عبارت «هدایة من الہدی» را دارد. این مهر متعلق به میرزا مہدی استرآبادی - مورخ عهد نادرشاه - بوده. مہدی خان در سال ۱۷۳۹ در مشهد تعدادی کتب خطی نفیس از سربازی که در جنگ هندوستان در سپاه نادرشاه بوده خریداری می کند. این سرباز کتابها را در غارت دہلی به سال ۱۷۳۸ به چنگ آورده بود. همچنین، مہدی خان تعدادی از کتابهای کتابخانہ صفوی را که بعد از ۱۷۳۲ به دست افراد افتاده بود در اختیار داشت.

وارثین مہدی خان، کتابخانہ نفیس او را که همین نسخه خطی خمسہ نظامی نیز جزء آن بود، به دستور فتحعلیشاه به نفع خزانه دولتی به معرض فروش نهادند و لہذا کتابهای میرزا مہدی خان پراکنده شد. بعداً، رد نسخه خمسہ نظامی را در کتابخانہ شہزادہ محمد میرزای قاجار، پانزدهمین پسر فتحعلیشاه، می یابیم که اثر مہر او با تاریخ ۱۲۴۴ (هـ.ق.) در چند برگہ کتاب دیدہ می شود. در برگہ اول کتاب فهرستی از مینیاتورهای مندرج در این کتاب تهیه شدہ کہ بہ خط احمد شاملو، خوشنویس مشہور است. ہم او، در این فهرست نوشتہ است کہ «ہرگز چشمی کتابی چون «این» ندیدہ است».

در تاریخ ۲۰ ژانویہ ۱۸۷۷ ہمسر لوئی ژان با تیسٹ نیکلا دو کتاب خطی فارسی را بہ کتابخانہ ملی فرانسه می فرود شد - یکی همین کتاب خمسہ نظامی ست و کتابی دیگر در تاریخ ایران بہ شعر. نیکلا در سال ۱۸۴۰ بہ تہران رفت و بہ مدتی طولانی بہ خدمات منشیگری کنسولی فرانسه در ایران اشتغال داشت. در مدت اقامت خود نسخہ های خطی زیادی را خریداری کرد و یا بہ او اهداء شد. در طی سی سالی کہ او در ایران بود، مجموعہ مهمی از کتب و اسناد خطی جمع نمودہ، بہ ارت نہاد کہ بعد از فوتش تعدادی از آنها، از جملہ دیوان عرفی بہ خط عبدالجبار، بہ کتابخانہ ملی فرانسه رسید.

خدمت آقای فرانسیس ریشار در تہیہ و انتشار این کتاب، و سایر تحقیقات و تألیفات مربوط بہ هنر و فرہنگ ایران شایان تحسین است.

تولوز، فرانسه